

وعمر بن محمد بن سیف را نام برد (ابن جزری، غایه، ۴۴/۱، ۱۱۵، ۵۹۶؛ قس: خطیب، ۱۲۵/۵). در زمینه نحو، ابن ندیم (ص ۶۵) او را از پیروان مکتب بصره شمرده است. ابو عثمان بکر بن محمد مازنی (د ۲۴۹ ق) را از استادان ادب او ذکر کرده‌اند (نک: یاقوت، ۱۲۳/۷، ۱۲۵؛ ابوالفرج، ۲۹۷/۱۲). ابوالفرج اصفهانی و ابوالقاسم زجاجی از او بهره‌های ادبی برده‌اند (ابوالفرج، همانجا؛ یاقوت، ۱۲۵/۷). در منابع حکایاتی درباره پیدایش نحو و غیر آن به نقل از ابن رستم وارد شده است (همانجا؛ ابن ندیم، ۴۵). ابن رستم هم در قرائت و هم در نحو در روزگار خود از نخبگان به شمار می‌رفته (نک: ابن جزری، غایه، ۱۱۵/۱، درباره قرائت؛ ابن مهران، ۷۶، درباره نحو) و نکته جالب در مورد او این است که در قرائت، مکتب کوفه و در نحو، مکتب بصره را برگزیده است. براساس سندی که ابن مهران (همانجا) ارائه کرده او مدتی در خانه وزیر ابوالحسن علی بن محمد بن فرات، مؤدب بوده و بکار بن احمد با توسل به حيله و واسطه توانسته از درس او استفاده کند. ظاهراً باید تاریخ این امر را پس از ۲۹۶ ق، سال وزارت ابن فرات دانست. ابن درید ابیاتی در هجو ابن رستم به سبب احتجاج او از مردم سروده است (دیوان، ۷۹).

به قرینه استماع ابن سیف از ابن رستم در ۳۰۴ ق (نک: خطیب، همانجا)، وفات او پس از این تاریخ بوده است. ابن ندیم (حصص ۳۷، ۶۵ - ۶۶) آثاری در علوم قرآن و ادب با عناوین غریب القرآن، المقصور و الممدود، المذکر و المؤنث، صورة الهمز، التصریف و النحو به وی نسبت داده است که نشانی از آنها در دست نیست.

مأخذ: ابن جزری، محمد بن محمد، غایه التهایه، به کوشش گ. برگستر، قاهره، ۱۳۵۲ ق/ ۱۹۳۳ م؛ همو، النشر، به کوشش علی محمد الضباع، قاهره، کتابخانه مصطفی محمد؛ ابن درید، دیوان، به کوشش عمر بن سالم، تونس، ۱۹۷۳ م؛ ابن مهران، احمد بن حسین، البسوط، به کوشش سبع حمزة حاکمی، دمشق، ۱۴۰۷ ق/ ۱۹۸۶ م؛ ابن ندیم، الفهرست؛ ابوالفرج اصفهانی، الاغانی، قاهره، دارالکتب؛ اندرابی، احمد بن ابی عمر، قراءات القراء المعرونین، به کوشش احمد نصیف الجنابی، بیروت، ۱۴۰۵ ق/ ۱۹۸۵ م؛ خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، قاهره، ۱۳۴۹ ق؛ یاقوت، ادبا، بخش علوم قرآنی و حدیث

ابن رستم طبری: ابوجعفر احمد بن محمد بن جریر بن رستم آملی، متکلم امامی سده ۳ ق/ ۹ م. در مورد جزئیات زندگی او اطلاع چندانی در دست نیست. با در نظر گرفتن اینکه تنها راوی شناخته شده او حسن ابن حمزه طبری در ۳۵۸ ق/ ۹۶۹ م وفات یافته است (نک: نجاشی، ۶۴)، حیات او را باید در نیمه دوم قرن ۳ ق و شاید اوایل قرن ۴ ق دانست. قراین مختلف این تصور را به وجود می‌آورد که وی در طبرستان اقامت داشته و در این صورت در زمان حکومت علویان زیدی طبرستان (۲۵۰ - ۳۱۶ ق) می‌زیسته است. منتجب الدین در تاریخ ری از یک سفر او به ری اطلاع داده (ابن حجر، ۱۰۳/۵) و شاید ابن رستم در این سفر با برخی متکلمان آن شهر چون محمد بن عبدالرحمن بن قبة امامی (د قبل از ۳۱۹ ق) تماس داشته است. تنها اثر موجود ابن

پس از آن به دمشق، حمص، طرابلس، بعلبک و قاهره سفر کرد. در حماة و شهرهای یاد شده، از عالمانی چون شهاب الدین ابوالعباس مرداوی، حسن بن ابی المجد، احمد بن حسین حمصی، اسماعیل بن بردس، ابوعبدالله شمس الدین بن الیونانیه، بلقینی و عراقی فقه و حدیث آموخت و از محدثانی چون ابن رجب، ابن سند، عبدالرحیم بن محمود بن خطیب، یحیی بن یوسف رَحَبی و ابن محب اجازه روایت یافت (سخاوی، ۲۴۹/۱ - ۲۵۰؛ ابن عماد، ۲۵۳/۷). برخی از محدثان چون ابن فهد و ابن موسی مراکشی از وی حدیث نقل کرده‌اند (سخاوی، همانجا). به عقیده سخاوی هر چند به ابن رسام اجازه فتوی داده شد، اما از نظر علمی طبقه‌اش متوسط، بلکه پایین‌تر بوده است (همانجا).

با اینکه ابن رسام به وعظ نیز اشتغال داشت، ولی بیشتر به کار قضا می‌پرداخت. وی مدتی در حماة و یک چند در طرابلس و حلب به امر قضا مشغول بود. پس از مدتی اقامت در حلب باز به حماة رفت و آنجا تا پایان عمر عهده‌دار منصب قضا بود (همانجا).

از ابن رسام دو اثر بر جای مانده است: ۱. الاربعین فی الاسلام من الاحادیث النبویه عن اربعین من مشایخ الاسلام، نسخه‌ای از آن به خط مؤلف در بانکپور موجود است (مولوی عبدالحمید، ۳۷/۱)؛ ۲. عقد الدّر و اللّالی فی فضل الشهور و الايام واللیالی (سخاوی، همانجا؛ خدیویه، ۱۵۶/۶). ابن عماد نیز کتابی با عنوان لطائف المعارف در وعظ از وی ذکر کرده است (همانجا).

مأخذ: ابن عماد، نثرات اللب، قاهره، ۱۳۵۱ ق؛ خدیویه، فهرست؛ سخاوی، محمد بن عبدالرحمن، الفهره الامم، قاهره، ۱۳۵۳ ق؛ مولوی عبدالحمید، مفتاح الكنوز الغنیة، پته، ۱۹۱۸ م. حسن یوسفی اشکوری

ابن رستم، نک: رستمیان.

ابن رستم: ابوجعفر احمد بن محمد بن یزد یار طبری، مقری و نحوی بغدادی در نیمه دوم قرن ۳ ق/ ۹ م. با توجه به اینکه نصیر بن یوسف استاد وی در حدود ۲۴۰ ق وفات یافته (ابن جزری، غایه، ۳۴۱/۲)، تولد او را باید در اوایل سده ۳ ق دانست. ابن رستم قرائت کسانی را از نصیر و هاشم بن عبدالعزیز شاگردان کسانی فرا گرفت (ابن مهران، ۷۵-۷۶؛ خطیب، ۱۲۵/۵؛ ابن جزری، همان، ۱۱۵/۱، ۳۴۸/۲). لازم به ذکر است که روایت این دو از کسانی گرچه در آثار متقدم قرائت مورد توجه بوده (نک: ابن مهران، همانجا؛ اندرابی، ۱۲۵؛ ابن جزری، همان، ۳۴۰/۲ - ۳۴۱، ۳۴۹-۳۴۸)، ولی در آثار متأخر متروک شده است (قس: ابن جزری، النشر، ۱۶۷/۱ - ۱۷۲). خطیب بغدادی (۱۳۶/۵) روایتی از ابن رستم به نقل از ابن مسعود آورده که دلالت بر تجویز تلاوت قرآن بنا بر قرائات مختلف دارد. از راویان او در قرائت می‌توان احمد بن جعفر بن سلم خُثلی، احمد بن محمد بن عثمان قُطّان، بکار بن احمد، زکریا بن عیسی، عبدالواحد بن عمر

رستم المسترشد فی الامامة نام دارد که در نجف بدون تاریخ به چاپ رسیده است. نجاشی (ص ۳۷۶) این کتاب را با همین عنوان به ابن رستم نسبت داده و آن را با دو واسطه از مؤلف روایت کرده است. در فهرست طوسی (ص ۱۵۸) نیز از کتابی با این نام از وی یاد شده است، ولی ابن ندیم (ص ۲۹۲) بدون اینکه از ابن رستم نامی ببرد المسترشد را به طبری مورخ نسبت داده است.

در سده‌های بعد این کتاب مورد استفاده ابن شهر آشوب (د ۵۸۸ ق) در مناقب (۲/۲۹۴، جم) و ابن ابی الحدید (د ۶۵۶ ق) در شرح نهج البلاغه (۲/۳۶) قرار گرفته است. نسخه چاپ شده المسترشد تنها حاوی مباحث مربوط به امام علی (ع) بوده و به امامان دیگر نپرداخته است، ولی از منقولات ابن شهر آشوب از ابن رستم در مناقب (۴/۱۳۴، ۲۶۲، ۳۵۱) در مباحث مربوط به امامان سجاده، صادق و رضا (ع) که در یک مورد به اخذ آن از المسترشد نیز تصریح شده، چنین برمی‌آید که بخشی از المسترشد به مباحث مربوط به دیگر امامان اثناعشر اختصاص داشته که اکنون مفقود است. این کتاب را از نظر روش باید در زمره آن دسته از آثار کلامی امامیه قرار داد که برای اثبات حقانیت مذهب از روایات مخالفان بهره گرفته‌اند. با مقایسه بین المسترشد و کتاب الايضاح منسوب به فضل بن شاذان نیشابوری (د ۲۶۰ ق) روشن می‌گردد که این دو کتاب وجوه اشتراک بسیاری دارد و المسترشد مباحث ايضاح را در مواردی با بسط و تکمیل وارد کرده است (برای توضیح بیشتر در این مورد نک: ابن شاذان، فضل، ه. د). در مورد استفاده احتمالی آثار بعدی از المسترشد، باید گفت که به عنوان نمونه الشافعی سید مرتضی اشتراکات زیادی با آن دارد، ولی نزدیکی بیشتر لفظ الشافعی به الايضاح نسبت به المسترشد احتمال استفاده سیدمرتضی از آن را کاهش می‌دهد (به عنوان نمونه میان المسترشد، ۳۹ - ۴۰ و الشافعی، ۲۴۲ و الايضاح، ۱۳۵ - ۱۳۹ مقایسه شود). گذشته از جنبه کلامی، المسترشد از جهت منابع تاریخی با ارزشی که مؤلف از آن نقل کرده و امروزه از منابع مفقود به شمار می‌روند، کتابی پرمایه است. از جمله می‌توان از روایات زیادی که ابن رستم (جم) از واقعی نقل کرده، یاد کرد. ابن رستم بجز المسترشد آثار دیگری نیز داشته که نجاشی و طوسی از آنها نامی نبرده‌اند (نک: نجاشی، ۳۷۶؛ طوسی، فهرست، ۱۵۹)، ولی ابن شهر آشوب (معالم، ۱۰۶) اثری با عنوان الفاضل وذهبی (۳/۴۹۹) کتابی به نام الرواة عن اهل البيت به او نسبت داده‌اند. قاضی نورالله شوشتری (۱/۹۸، ۴۹۱) نیز کتابی با عنوان الايضاح در امامت به او نسبت داده که محتوا و رابطه احتمالی آن با الايضاح منسوب به ابن شاذان دانسته نیست. اندک بودن اطلاعات، شباهت نامها و در مواردی هم عصر بودن موجب شده تا شخصیت صاحب المسترشد با چند تن دیگر خلط شود، از جمله بزخی چون ابن حجر عسقلانی (۵/۱۰۳) او را با ابوجعفر احمد بن محمد بن یزدیار بن رستم طبری نحوی و مقری ساکن بغداد (د بعد ۳۰۴ ق)، صاحب تألیفاتی در علوم قرآن و ادب خلط کرده‌اند (نک: ه. د، ابن رستم).

ابن حجر (همانجا) همچنین با مستندی نامعلوم ابن رستم را از متکلمین معتزله شمرده و نیز احتمال داده آنچه در مورد کفایت مسح پا در وضو به طبری فقیه و مورخ نسبت داده شده مربوط به ابن رستم طبری بوده باشد، ولی تصریح طبری در تفسیر (۶/۸۳) به این حکم، بی‌اساس بودن احتمال ابن حجر را نشان می‌دهد. از طرفی دیگر ابن ابی الحدید (۲/۳۶) تصور کرده یک دو بیته معروف که در منابع دیگر (مانند یاقوت، ۱/۶۸) به ابوبکر محمد بن عباس خوارزمی نسبت داده شده و گفته شده که درباره طبری مورخ سروده شده، مربوط به صاحب المسترشد باشد. در این دو بیته اطلاعاتی راجع به وطن و مذهب طبری مورد نظر سراینده داده شده است. مهم‌ترین خلط در مورد ابن رستم نسبت کتاب دلائل الامامة که در ۱۳۸۳ ق / ۱۹۶۲ م در نجف به چاپ رسیده به اوست. نخستین بار ابن شهر آشوب در قرن ۶ ق در معالم (ص ۱۰۶) این اثر را به وی نسبت داده است. در قرن ۷ ق رضی‌الدین ابن طاووس به طور مکرر از دلائل استفاده کرده و مؤلف آن را محمد بن جریر بن رستم طبری (الاقبال، ۶)، محمد بن رستم بن جریر (الامان، ۵۲)، فرج المهموم، ۱۰۲، کشف المحجۃ، ۳۵) یا محمد بن جریر (اللهوف، ۲۶، یقین، ۵۰ - ۵۱) نامیده است. تطابق بین اسلوب منقولات ابن طاووس با دلائل الامامة چاپ شده، و نیز یافت شدن مطالب منقول در الامان (صص ۵۲ - ۶۰) و اللهوف (همانجا) عیناً در دلائل (۷۴، ۱۰۴ - ۱۰۹) نشان می‌دهد که دلائل مورد نظر ابن طاووس همین کتاب بوده، با این تفاوت که برخلاف نسخه چاپ شده، مبحث مربوط به امام علی (ع) و حتی احتمالاً پیامبر (ص) را نیز در برداشته است. از سخن ابن طاووس در اللهوف (همانجا) چنین برمی‌آید که او عبارت «قال ابوجعفر محمد بن جریر طبری» را که بارها در دلائل الامامة تکرار شده (مثلاً صص ۶۳، ۲۱۰)، بیان کننده نام مؤلف کتاب دانسته، در حالی که مشایخ این محمد بن جریر طبری ابداً با دیگر مشایخی که در طول کتاب دلائل الامامة از ایشان نقل قول شده از نظر طبقه تطبیق نمی‌کند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که مستند ابن طاووس در انتساب کتاب چندان محکم نبوده است. بهر حال باید توجه داشت که اسناد کتاب دلائل با همه آشفتگیها و ابهاماتی که دارد نشان می‌دهد تألیف کتاب دست کم بیشتر از یک قرن بعد از زمان صاحب المسترشد بوده است. نیز وجود لفظ «رحمه الله» پس از نام حسین بن عبیدالله غضائری (د ۴۱۱ ق) در (ص ۳۰۰) به همراه ذکر سال ۳۹۵ ق در طبقه مشایخ برادر مؤلف در (ص ۹۲) ظاهراً دلالت بر آن دارد که تألیف کتاب مدتی پس از ۴۱۱ ق / ۱۰۲۰ م صورت گرفته است. با توجه به آنچه گفته شد سخن برخی از متأخران چون مجلسی (۱/۲۰) که دلائل الامامة را نام دیگر المسترشد دانسته، یا المسترشد را جزء اول و دلائل را جزء دوم از اثری واحد شمرده‌اند (نک: مقدمه دلائل، «د») بدون تردید خطاست (در مورد آثار دیگری که به ابن رستم طبری نسبت داده شده و از نظر سند و اسلوب، وضعی شبیه دلائل الامامة دارند، نک: آقابزرگ، ۲۷/۲۱ - ۲۸، ۳۳۲/۲۲، ۳۴۹/۲۴؛ حرّ

نمی‌شناختند و با کتاب او آشنایی نداشتند. ابن ندیم نیز در الفهرست نامی از او و آثارش نبرده است. ابتدا خوولسون بخشی از کتاب *الاعلاق النفیسة* را پیرامون روسها، اسلاوها و مردم بالکان در ۱۸۶۹ م به چاپ رسانید (عقیقی، ۱۳۹۱/۳). سپس جوینبول^۱ در ۱۸۸۳ به چاپ این کتاب اقدام کرد (همو، ۱۳۶۱/۲)، آنگاه هامادوف^۲ نیز کتاب *الاعلاق النفیسة* را همراه با تعلیق و فهرست فراهم کرد که در همان سال در غازان طبع گردید (همو، ۱۳۷/۳). سرانجام دخویه خاورشناس هلندی ضمن نگارش مقدمه‌ای کتاب مزبور را آماده کرد که در ۱۸۹۲ م توسط انتشارات گیب در لیدن به چاپ رسید. از کتاب *الاعلاق النفیسة* تنها دو نسخه خطی معرفی شده که یکی متعلق به موزه بریتانیا (GAL. I/227) و دیگری متعلق به دانشگاه کمبریج است (براون، ۱۶۵). گاستون-ویت^۳ نیز این کتاب را با ترجمه و تعلیق آماده کرده که در ۱۹۵۵ م در ۳۱۹ صفحه توسط انجمن جغرافیایی مصر انتشار یافته است (عقیقی، ۱۳۰۲/۱). کاروی ژگلدی^۴ نیز در ۱۹۵۸ م بخشهایی از کتاب ابن رسته را که بیشتر درباره مجارهاست، همراه با مطالبی از ابن فضلان بلخی و مسعودی منتشر کرده است (همو، ۱۹۱۴/۳).

درباره تاریخ پایان نگارش کتاب ابن رسته اختلاف نظرهای وجود دارد: دخویه آن را در فاصله ۲۹۰ تا ۳۰۱ ق می‌داند (صص VI-V). کراچکوفسکی نیز بر این عقیده بوده است که ابن رسته کتاب خود را به تقریب ده سال پس از نگارش کتاب ابن فقیه و در حدود ۲۹۰ تا ۳۰۰ ق به رشته تحریر کشیده است (همانجا)، ولی مارکوارت تاریخ نگارش این کتاب را حدود ۳۱۰ ق نوشته و چنین اظهار عقیده کرده است که کتاب ابن رسته متأثر از نوشته جیهانی جغرافی‌نگار ایرانی و وزیر امیران سامانی بوده که آن یکی نیز به تقریب در همین زمان نوشته شده است (صص 25-26). مقدسی هنگام بحث درباره این اثر می‌نویسد: در کتابخانه عضدالدوله کتاب او را در ۷ مجلد بی‌نام مؤلف یافتیم که برخی آن را از ابن خردادبه می‌دانستند. سپس دو کوتاه شده آن کتاب را در نیشابور با نام مؤلف دیدیم که یکی از جیهانی و دیگری از ابن خردادبه بود و هر دو در مطالب هماهنگ بودند، ولی نسخه جیهانی اندکی افزایش داشت (ص ۴، حاشیه I). بارتولد معتقد است که مارکوارت می‌کوشد چنین اثبات کند که مأخذ مشترک آگاهیهای ارائه شده از سوی ابن رسته، بکری و گردیزی که به تقریب کلمات آنها نیز مشابه یکدیگرند، تنها می‌تواند اثر جغرافیایی گم شده جیهانی باشد و این اثر گویا پس از ۳۱۰ ق نوشته شده است (V/510؛ مارکوارت، 25-26 و حاشیه 1 ص 26). بنا به نوشته بارتولد، وستبرگ^۵ هیچ‌گونه رابطه‌ای میان اخبار ارائه شده از سوی ابن فضلان با نوشته‌های ابن رسته مشاهده نمی‌کند. با اینهمه وستبرگ بعداً با مارکوارت هم عقیده شده و نگارش بخش مربوط به بلغارها در اثر ابن رسته را پس از ۳۱۰ ق دانسته است (V/510-511). بارتولد در ادامه مطلب اشاره می‌کند که

عاملی، ۲۸/۱، ۴۰۰). در اینجا ذکر این نکته لازم است که طوسی در فهرست (ص ۱۵۸) برای ابن رستم صفت «الکبیر» را آورده که احتمال دارد برای تمیز او از ابن رستم دیگری باشد، ولی در رجال او (ص ۵۱۴) این قید دیده نمی‌شود.

مأخذ: آقا بزرگ، الذریعة؛ ابن ابی الحدید، عبدالحمد بن هب‌الله، شرح نهج البلاغة، به‌کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، ۱۳۷۸ ق / ۱۹۵۹ م؛ ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، لسان المیزان، حیدرآباد دکن، ۱۳۲۹ - ۱۳۳۱ ق؛ ابن رستم طبری، محمد بن جریر، المسترشد، نجف، کتابخانه حیدریه؛ ابن شاذان، فضل، الايضاح، به‌کوشش جلال‌الدین محدث، تهران، ۱۳۵۱ ش؛ ابن شهر آشوب، محمد بن علی، معالم العلماء، نجف، ۱۳۸۰ ق؛ همو، ۱۹۶۱ م؛ همو، المناقب، قم، چاپخانه علمی؛ ابن طاووس، علی ابن موسی، الاقبال، ۱۳۲۰ ق؛ همو، الامان من اخطار الاسفار والازمان، نجف، ۱۳۷۰ ق؛ همو، فرج المهرم، نجف، ۱۳۶۸ ق؛ همو، کشف المحجّة، نجف، ۱۳۷۰ ق / ۱۹۵۰ م؛ همو، اللهورف، نجف، ۱۳۶۹ ق / ۱۹۵۰ م؛ همو، الیقین، نجف، ۱۳۶۹ ق / ۱۹۵۰ م؛ ابن ندیم، الفهرست؛ حر عاملی، محمد بن حسن، اثبات الهداة، قم، چاپخانه علمی؛ دلائل الامامة، نجف، ۱۳۸۳ ق / ۱۹۶۲ م؛ ذهبی، محمد بن احمد، میزان الاعتدال، به‌کوشش علی محمد البجاوی، قاهره، ۱۳۸۲ ق / ۱۹۶۳ م؛ سیدمرتضی، علی بن حسین، الشافی، تهران، ۱۳۰۱ ق؛ شوشتری، قاضی نورالله، مجالس المؤمنین، تهران، ۱۳۵۴ ش؛ طبری، تفسیر؛ طوسی، محمد بن حسن، الرجال، به‌کوشش محمد صادق بحر العلوم، نجف، ۱۳۸۱ ق / ۱۹۶۱ م؛ همو، الفهرست، به‌کوشش محمد صادق بحر العلوم، نجف، کتابخانه مرتضویه؛ مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، ۱۴۰۳ ق / ۱۹۸۳ م؛ نجاشی، احمد بن علی، الرجال، به‌کوشش موسی شبیری، قم، ۱۴۰۷ ق؛ یاقوت، بلدان.

احمد باکتچی

این رسته، ابوعلی احمد بن عمر رسته، جغرافی‌دان و مؤلف کتاب *الاعلاق النفیسة*. برخی نام او را با تردید محمد نیز نوشته‌اند (بستانی). سوسه (ص ۱۰۰) نام پدر او را محمد بن اسحاق آورده، اما غنیم (ص ۸) به استناد نوشته روی جلد نسخه‌ای از کتاب ابن رسته نام پدر او را عمر بن عمر ذکر کرده است. خوولسون^۱ خاورشناس روس نام او به صورت ابن دسته خوانده بود که چند سال نیز مورد قبول واقع شد (کراچکوفسکی، IV/159)، ولی بعدها به تدریج این شبهه برطرف شد.

از تاریخ ولادت، درگذشت و محل وفات ابن رسته اطلاعی در دست نیست، تنها می‌دانیم که زادگاهش اصفهان بوده و مدتی از عمر خود را در آن دیار به سر برده است (همانجا). خود او ضمن وصف اصفهان می‌نویسد که از مردم آن دیار است (ص ۱۵۱). ابن رسته در ۲۹۰ ق / ۹۰۳ م در موسم حج در مکه بوده و مطالبی راجع به کتیبه‌های مسجدالنبی و درهای آن در کتاب خود آورده است (همو، ۷۳، ۷۵). در مورد سال درگذشت ابن رسته اختلاف نظر وجود دارد. بعضی آن را ۲۹۰ ق (سرکیس، ۱۰۹) و برخی سال پس از آن (حمیده، ۱۱۶) و بعضی دیگر (فاخوری، ۳۶۵) ۲۹۱ ق نوشته‌اند. نالینو تاریخ درگذشت او را میان سالهای ۲۹۰ و ۳۰۰ ق دانسته است (ص ۱۸۳).

خاورشناسان و محققان تا اواسط سده ۱۹ م ابن رسته را

1. Khvolson Daniil (Yusuf) Abramovich

6. Westberg

2. A. W. Th. Juynboll

3. Hamadov

4. G. Wiet

5. K. Czeglédy